

سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز

با تأکید بر مؤلفه‌ی فرم‌های تزئینی

دکتر ایمان زکریایی کرمانی^۱

زهرا خوشبخت^۲

دکتر علیرضا خواجه احمد عطاری^۳

چکیده

هنر تذهیب یکی از مهم‌ترین هنرهای اسلامی و قرآن‌آرایی به شمار می‌آید که طیف گسترده‌ای از ذوق و استعداد هنرمندان مسلمان را به نمایش در می‌آورد. مذهب‌ان مسلمان از صدر اسلام همواره با بهره‌گیری از ذوق، خلاقیت و نوآوری سبک‌های مختلف هنر تذهیب را شکل دادند. در میان مراکز مهم کتاب‌آرایی در سرزمین‌های اسلامی، شیراز همواره به عنوان یکی از مکاتب مهم کتاب‌آرایی شناخته می‌شود که درون خود و با گذر ایام سبک‌های مختلفی را در تذهیب، تشعیر و خوشنویسی شکل داده است. در بین سبک‌های مهم کتاب‌آرایی مکتب شیراز می‌توان به قرآن‌های تزئین شده بین قرون ۸ تا ۱۳ هجری قمری اشاره کرد که سه سبک مهم در مکتب قرآن‌آرایی شیراز را شکل داده‌اند. شناخت و مطالعه‌ی سبک‌شناختی مبتنی بر مؤلفه‌های فرمی و دستیابی به ویژگی‌های اصلی سبک‌های مهم قرآن‌آرایی مکتب شیراز به عنوان مهم‌ترین هدف این پژوهش مطرح می‌باشد لذا به منظور دستیابی به این هدف اصلی از میان قرآن‌های این سه دوره یک قرآن عصر ایلخانی، یک قرآن عصر تیموری و دو قرآن مربوط به دوره‌ی قاجار به صورت هدفمند انتخاب شده است. پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد سبک‌شناسی صورت‌گرا انجام شده است. از جمله مهم‌ترین نتایج این پژوهش می‌توان به معرفی ساختار فرمی و ویژگی‌های سبکی این سه دوره اشاره نمود که می‌توان براساس ساختارهای فرمی این سه دوره را یگانه، پردیس و فرشینه نام نهاد. علت نام‌گذاری این سه دوره ویژگی فرم‌های شاخص مورد استفاده در این سه عصر یا سه سبک است که این ادوار را از عصر پادشاهی و نیز نشانه‌گان عددی خارج ساخته و متناسب با ساختار فرمی نام‌گذاری شده‌اند.

۱. استادیار دانشکده صنایع دستی-دانشگاه هنر اصفهان- [http://www.iaia.ac.ir](#)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد صنایع دستی-دانشگاه هنر اصفهان- [http://www.iaia.ac.ir](#)

۳. استادیار دانشکده صنایع دستی-دانشگاه هنر اصفهان- [http://www.iaia.ac.ir](#)

اهداف پژوهش

- ۱- مطالعه‌ی شاخصه‌های سبکی قرآن‌آرایی در بازه‌ی زمانی عصر ایلخانی تا دوره‌ی قاجار
- ۲- استخراج مؤلفه‌های هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی و برجستگی عناصر فرمی در دوره‌های سبک‌های سه‌گانه ایلخانی، تیموری و قاجار

سئوالات پژوهش

- ۱- قرآن‌های شاخص دوره‌های ایلخانی، تیموری و قاجار در مکتب قرآن‌آرایی شیراز دارای چه شاخصه‌های مهم سبکی هستند؟
- ۲- مهم‌ترین مؤلفه‌های هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی و برجستگی عناصر فرمی در قرآن‌های شاخص تاشی‌خاتون، ابراهیم سلطان، وصال شیرازی و محمدشفیع ارسنجانی چیست؟

واژگان کلیدی

فرم، سبک‌شناسی صورتگرا، مکتب قرآن‌آرایی شیراز، تذهیب قرآنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

وحی یکی از مظاهر مهم دین اسلام به شمار می‌رود که علیرغم حافظه قوی اعراب، لزوم ثبت کلمات وحی به صورت مکتوب حتمی و قطعی شد. بنا به نظر رجبی^۴ (۱۳۸۱) در راستای نگارش و کتابت قرآن، علومی چون «قرائات»، «رسم المصحف» یا علم «مرسوم الخط» در راستای حفظ اصالت و جاودانگی قرآن و اکرام آن شکل گرفت. در قرون اولیه اسلامی کتابت و تذهیب قرآن در بلاد اسلامی قوت زیادی گرفت و در این راستا ایران یکی از پیشگامان تزئین یا تذهیب قرآن کریم بود. بیشتر نقوشی که در تزئین آیات قرآن به کار رفت شکل‌های استیلیزه شده‌ی نقوش نباتی و حیوانی و به ویژه ساختارها و گره‌های هندسی بود که به دلیل منع هنرمندان از به کار بردن نقوش طبیعی بوده است. دنی^۵ (۱۹۹۶) اذعان دارد اساس و بنیان هنر ایران نوعی هنری درباری-مذهبی است زیرا دربارها توانایی حمایت مالی هنرمندان را داشتند هنرمندان به مشاغلی چون خوشنویسی، تجلید و تذهیب که از جمله هنرهای رایج، در حال توسعه و کاربردی بود، روی آوردند. از جمله مناطق جغرافیایی که در توسعه فرهنگی ایران نقش بسزایی داشته، منطقه جنوب کشور است. در برخورد سبک‌شناختی با یک اثر هنری مانند تذهیب، لازم است بیننده بداند که این اثر در کدام دسته و زیر شاخه‌ای قرار می‌گیرد، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. در زمینه شناخت سبک، نخست می‌بایستی شیوه اجرای هر اثر را بررسی نمود و بخش‌بندی کلی اولیه برای آن قرار داد و سپس باید دید که در هر دوره چه ویژگی‌های هنری خاصی وجود دارد. این ویژگی‌ها شاخصه‌ها یا مؤلفه‌های سبکی خواهد بود.

این پژوهش در راستای تقویت ادبیات نظری قرآن‌پژوهی سعی دارد مقوله سبک‌شناسی را مطرح و به اصلی‌ترین مرحله‌ی سبک‌شناسی یعنی توصیف بیان هنری تأکید بیشتری نماید تا شاید زمینه‌ساز مطالعات تکمیلی در این راستا گردد.

در راستای مطالعه‌ی ادبیات نظری این پژوهش می‌توان به دو سطح زمینه‌های تحقیق و مسئله تحقیق اشاره نمود. در سطح زمینه‌ی تحقیق، پژوهش‌های مرتبط با زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی موضوع مطالعه است. در خصوص توصیف‌های جغرافیایی سامی (۱۳۶۳)، شیراز را بر تارک افتخارات ایران زمین می‌داند و خوب‌نظر (۱۳۸۰)، آب و هوای این منطقه را توصیف کرده و معتقد است که وضعیت متعادل اقلیمی در روحیه ساکنین آن هم موثر افتاده و مردم شیراز دارای تعادل مزاج و مردمی مفرح و سازگار می‌باشند.

فجع‌فعد ۴

فکچپ ۵

پیرامون پیشینه تاریخی، آژند (۱۳۸۷) ابتدای تأسیس شیراز را به گفته حمدالله مستوفی به شیراز بن طهمورث نسبت داده و از زمان هخامنشیان تا قاجاریه را توضیح می‌دهد.

در سطح پیشینه‌ی مرتبط با مسئله‌ی پژوهش می‌توان به مطالعات حوزه‌ی تذهیب و کتاب‌آرایی اشاره نمود. معتقدی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «کتابت و کتاب‌آرایی در مکتب شیراز: شکوه خوشنویسی و تذهیب در مکتب شیراز (سده‌های ۸ و ۹ هجری)» پیرامون کتاب‌آرایی در شیراز مطالبی ارائه می‌نماید. رایت (۲۰۱۳). در پژوهشی به کتاب‌آرایی و تولید دست‌نوشته‌ها در شیراز بین سال‌های ۱۳۰۳ م/ ۷۰۲ ه.ق تا ۱۴۵۲ م/ ۸۵۵ ه.ق پرداخته است. تمرکز رایت در حوزه‌ی شیراز است اما با رویکردی تطبیقی نگرشی کلی در مورد هنر کتاب‌آرایی ایران در عصر تیموری می‌دهد لینگز^۶ (۱۳۷۷). به معرفی هنر خط و تذهیب قرآنی با نظر به دوره آغازین این هنر تا قرن ۱۰ هجری قمری می‌پردازد. وی می‌کوشد با بررسی بهترین نمونه‌های خط و تذهیب قرآن در سراسر عالم اسلام، در این زمینه رسوخ کند. در ارتباط با نمونه‌های متعدد تصویری مرتبط با هنر تذهیب می‌توان به مجموعه‌ی چهارجلدی خلیلی (۱۳۸۱)، در زمینه پژوهش تذهیب‌های قرآنی، اشاره نمود.

نکته حائز اهمیت آن است که در پژوهش‌های مطرح شده نمونه‌ای که با رویکرد سبک‌شناسی به سیر تحول تاریخی سبک‌های نگارگری در سه دوره‌ی مورد مطالعه پرداخته باشد مشاهده نشد؛ بنا بر آنچه گفته شد پژوهش حاضر با تأکید بر آراء و نظرات پژوهشگران در زمینه تذهیب‌های قرآنی ادوار مختلف به سبک‌شناسی ساختارشناسانه و طبقه‌بندی این نوع نگاره‌ها می‌پردازد.

در تحقیق حاضر، داده‌ها به صورت عددی و اثباتی نیست. این پژوهش برپایه پارادایم توصیفی - تحلیلی است؛ و هدف کمک به انجام تحقیقی بنیادی جهت مطالعات سایر محققین است. مطالعه موجود به روش قیاسی و توصیفی صورت گرفته و هر دوره با مکاتب قبل و بعد از خود قیاس می‌شود.

با توجه به گردآوری داده‌ها از جنبه تاریخی، بررسی اصطلاحات، لغات و همچنین ارتباط مستقیم با واحد تحلیل (قرآن‌های مورد مطالعه) که با مشاهده و تصویربرداری به تکمیل یافته‌ها منجر می‌شود، تحقیق موجود را به روش کتابخانه‌ای و میدانی توصیف می‌کند و تجزیه و تحلیل از نوع استنتاج عقلانی است.

^۶ پنگز

چارچوب نظری

سبک و ویژگی‌های آن همواره یکی از دغدغه‌ها و مشکلات تاریخ‌نگاران هنر بوده است (راتشیلد^۷، ۱۹۶۰: ۲۳۴). سبک در هنر به معنی ویژگی‌هایی است که به بیننده اثر این امکان را می‌دهد تا بین یک اثر و دیگر آثار هنری رابطه برقرار کند (جنسن^۸، ۱۳۹۴: ۱۷). مبحث سبک یکی از مباحث اصلی در مطالعات نقد هنری و ادبی است که شاخه‌ای تحت عنوان سبک‌شناسی را ایجاد کرده است. سبک‌شناسی نحله‌ها و مکاتب گوناگونی دارد که یکی از آنها سبک‌شناسی صورت‌گرا یا فرمالیست است. با روی کار آمدن مکتب صورت‌گرایی در روسیه توجه و اصالت صورت در خوانش و تحلیل اثر هنری اصالت یافت به طوری که تمامی ابعاد یک اثر هنری در راستای عوامل صوری مورد مطالعه قرار می‌گرفت (واپرتون^۹، ۱۳۸۷: ۲۷). کلاویو بل و راجرز فرای جزو مهم‌ترین منتقدان صورت‌گرا شناخته می‌شوند. بل (بل^{۱۰}، ۱۹۱۴: ۴۹) فرم‌ها را مجموعه‌ای از خطوط و سطوحی می‌داند که از ظرفیت برانگیختن حس زیبایی‌شناسانه‌ی هر مخاطبی برخوردارند. صورت‌گرایی تنها متمرکز بر خوانش اثر هنری نیست بلکه کنش هنری را کوششی می‌داند که برای بیان تصویری یک تصویر به منظور تجسم کیفیتی خاص از حقیقت صورت می‌پذیرد (فرای^{۱۱}، ۱۹۲۶، ۱۹۶-۱۹۷). صورت‌گرایان اشیا را همچون فرم‌های محض می‌نگرند که حقیقت غایی به صورت همین فرم‌های معنادار شکل می‌گیرد (عوض‌پور، ۱۳۹۲: ۱۷۳). تابع ساختار فکری مکتب صورت‌گرایی در نقد ادبی سبک‌شناسی صورت‌گرا نیز مفاهیم و ادبیات خاص خود را شکل داد. شاید بتوان مفاهیمی چون آشنایی‌زدایی^{۱۲}، برجسته‌سازی^{۱۳} و هنجارگریزی^{۱۴} را به عنوان مهم‌ترین مفاهیم سبک‌شناسی صورت‌گرا به حساب آورد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). در تعریف سبک از منظر

^۷ فکء لمعلا

^۸ کءمء معء

^۹ کمء معء

^{۱۰} قءمء

^{۱۱} لءمء معء کءمء

^{۱۲} کمء معء کءمء معء

^{۱۳} کمء کءمء معء

^{۱۴} کمء معء

صورت‌گرایان گزینش خاص فرم‌ها توسط هر هنرمند و یا هنجارگریزی و انحراف از معیارهای رایج خلق اثر هنری مدنظر گرفته می‌شود. از منظر صورت‌گرایان سبک هنری زمانی شکل می‌گیرد که هنرمندی بر اساس گرایش‌ها و معیارهای فکری خاص به عناصر فرمی ویژه‌ای روی آورده و در استفاده‌ی از آنها استمرار می‌ورزد. در این حالت سبک هنری خاص شکل می‌گیرد.

در این مقطع لازم است فرم به عنوان مهم‌ترین عنصر در سبک‌شناسی صورت‌گرا تعریف شود تا فرایند مطالعه در فضایی آشکار و واضح صورت بپذیرد. شپرد^{۱۵} (۱۳۹۰)، فرم را تناسب و توازن معنی می‌کند. از نظر وی توازن و تناسب در اقسام هنرهای بصری، موسیقایی، کلامی و ادبی مثل شعر، رمان و داستان کوتاه وجود دارد اما رنگ، ویژگی هنرهای بصری است. به عقیده وی، ویژگی‌های فرمی در برخی آثار مهم‌تر است اما با وجود آن سجام و نظم همه آثار هنری، نمی‌تواند به تنهایی نقد فرمالیستی شود و فرمالیست باید با نظریه دیگری تلفیق شود؛ مثل آن که فرمالیسم را با نظرات اکسپرسیونیستی تلفیق می‌کند. از نظر او با وجود تنوع اشکال فرم در تمامی هنرها، تنها اشتراک، روابط بین اجزاء یا ویژگی‌ها است.

از دیگر سو، تاتارکیویچ^{۱۶} (۱۳۸۹)، فیلسوف قرن ۲۰ لهستان، در مقاله‌اش فرم در تاریخ زیبایی‌شناسی^{۱۵} فرم را بسته به آن که در معنای صورت ظاهری، درک شیء و مفهوم نظم و انتظام اشیاء یا به صورت جوهری در نظر بگیرد، به پنج مفهوم طبقه‌بندی می‌کند که سه گروه آن در حوزه‌ی هنرهای تجسمی و دو گروه آن فرم فلسفی است. بنابر حدود موضوعی این پژوهش که در حوزه‌ی هنر تذهیب محدود شده است لذا سه فرم اصلی تجسمی شامل فرم‌های الف، ب و ج تعریف و معرفی می‌گردد و از شرح سایر فرم‌ها صرف‌نظر می‌گردد.

فرم «الف» مربوط به تناسبات ذهنی و بر پایه نظم و هندسه شکل می‌گیرد و با ترکیب‌بندی تطابق قابل ملاحظه‌ای دارد. به عقیده متقدمین، زیبایی در نظم و تناسب اجزاء است. تاتارکیویچ فرم «الف» را یکی از کامل‌ترین فرم‌ها در زمینه هنرهای بصری می‌داند که رواج آن تا قرن ۲۰ ادامه داشته است. فرم «ب» تعریف دیگر از فرم در معنای مفهوم است. چنان‌که امپرسیونیست‌ها به فرم در مفهوم صورت ظاهری تأکید می‌کنند و نقاشان تجریدگرا بر فرم در مفهوم انتظام تأکید دارند. فرم «ج» سومین تعریف از فرم است. این فرم در مفهوم خطوط حاشیه‌ای و فیگور در شکل^{۱۷} است. در اینجا تاتارکیویچ به مفهوم طرح و رنگ پرداخته و تفاوتی که هر کدام در ساخت فرم دارند، بیان

^{۱۵} طبع غنغ غذ

^{۱۶} غنغ غنغ غنغ

^{۱۷} غ غغ غذ.

می‌کند. مفهوم یک یعنی فرم، به وسیله طرح محیطی بیان می‌شد و مفهوم دو یعنی به کمک رنگ‌گذاری به فرم مورد نظر دست می‌یابند. هر دوی این حالات در قرآن‌نگاری‌ها مورد استفاده است که در جای خود معرفی می‌شود.

با نگرشی عمومی بر ساختار هنر کتابت در تاریخ بشر، می‌توان به جایگاه ویژه متون مقدس پی برد. «از دیرباز در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، کتاب و زبان نوشته‌ها، به ویژه پیام‌های دینی و الهی را ارج می‌نهادند و در آراستن آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند. گزارش‌های بازمانده از دوران باستان از وجود شیوه‌های مختلف کتاب‌آرایی آگاهی می‌دهد. با ورود ایران به دوره‌ی اسلامی، جنبش نگارش و پراکندن پیام آسمانی پدیدار شد و بر رونق کتاب‌آرایی و فنون پیوسته با آن بسی افزود» (کشمیری، ۱۳۹۶: ۱). قرآن کتاب مقدس دین اسلام علاوه بر تعالیم ارزشمند و زندگی‌ساز خود، زمینه‌ی شاخه‌ای از هنرهای اسلامی با عنوان قرآن‌آرایی شد. بدون تردید قرآن‌آرایی سرچشمه‌ی بسیاری از هنرهای کتاب‌آرایی ایران مانند نگارگری در دوره‌ی اسلامی بود (لینگز، ۱۹۷۶: ۱۵). یکی از هنرهای اصلی قرآن‌آرایی هنر تذهیب به معنای طلاکاری و تزیین است (جانسون^{۱۸}، ۱۹۷۶: ۳۲۶). سیر پیشرفت نقوش تذهیب نشان از آن دارد که از ابتدا به دلیل کراهت استفاده از نقوش طبیعی و بهره‌گیری از طرح‌های تجریدی و انتزاعی، تذهیب تنها به جهت تزیین و زیباسازی صورت گرفته است (کارگر و ساریخانی، ۱۳۹۰: ۵۹) و نشان‌هایی چون ابتدای سوره‌ها، اختتام آیات و آیات مربوط به سجده علامت‌گذاری می‌شد. نقوش از دوران اولیه به صورت فرم‌های تجریدی گیاهی و هندسی و صرفاً به رنگ لاجورد و طلا، به دلیل ارزش و نورانیت آیات به کارگرفته می‌شد اما به تدریج طیفی از رنگ‌های قرمز، سبز و آبی نیز استفاده می‌شد.

در این پژوهش سبک‌شناسی سه دوره‌ی آل اینجو، تیمور و قاجاریه در مکتب شیراز به صورت در زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از دوره ایلخانی - سده ۸ هجری قمری - حکومت به آل اینجو - از بازماندگان و جانشینان ایلخانی - منتقل شد. از این دوره قرآنی به خط یحیی صوفی جمالی از خوشنویسان بزرگ، در موزه پارس شیراز نگهداری می‌شود. در سده ۹ هجری قمری سفارش‌دهنده دیگر، ابراهیم سلطان فرزندزاده تیمور و حاکم شیراز است که خود از خوشنویسان و قرآن‌نویسان نامی و از حامیان بزرگ هنر کتاب‌آرایی بوده است. مشخصه این دوران تغییر در نوع تذهیب قرآن‌هاست که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

سومین تحول پس از دوره تیموری، با پشت سرگذشتن هرج و مرج حاکم بر زمان؛ در پی تحول و پیشرفت هنر تذهیب در دوره قاجاریه به وجود آمد که عناصر نباتی و حیوانی در کنار هم زینت‌بخش آیات قرآن شدند.

گ. کجف^{۱۸}

در توضیح پیرامون فرم در هنر تجسمی- سنتی تذهیب نخست باید عناصر به کار رفته در این هنر را شناخت. عناصر به کار رفته در هنر تذهیب بر پایه طرح و نقش و رنگ است.

الف. طرح و نقش عناصر به کار رفته در این هنر سنتی بر پایه نقوش انتزاعی به کار رفته بر اساس پایه حیوانی یا اسلیمی و پایه نباتی یا ختایی است. نقوش اسلیمی یا اسلامی برگرفته از عناصر حیوانی مثل طرح سر، عاج فیل یا حرکت ماهی یا سر و دندان اژدها است. مجرد تاکستانی (تاکستانی، ۱۳۷۲: ۴۱) در مورد چگونگی ترسیم اسلیمی، توضیحات جامعی ارائه می‌دهد. وی رسم اسلیمی را بر پایه دو دایره مماس و دایره سه کوچکتر که داخل یکی از آنها قرار دارد، می‌داند و سابقه نامگذاری این نقوش را به زمان سلجوقی می‌رساند.

پایه نقوش ختایی (خطایی) نباتی بوده و به ختن چین منسوب می‌شود. برخلاف طرح اسلیمی که ساختاری درشت و قوی دارد، ختایی طرحی ظریف، نازک و صرفاً دارای نقوش گل و بوته است لذا بسیاری از محققان طرح ختایی را به صورت گلبرگ تزئینی می‌دانند (مایل هروی^{۱۹}، ۱۳۷۲: ۶۳۷).

ب. رنگ یکی از عناصر مهم فرم در ساختار تذهیب به شمار می‌آید که در حال حاضر شامل رنگ‌های سنتی و صنعتی است که استفاده از رنگ‌های صنعتی متعلق به شرکت‌های معتبر خارجی از گسترش بی‌شتری برخوردار است؛ اما رنگ‌های سنتی معمولاً از سنگ معدن پالایش می‌شوند البته برخی از رنگ‌ها مانند قرمز دانه منشأ حیوانی دارند. می‌توان از طلا و لاجورد به عنوان مهم‌ترین رنگ‌های سنتی مورد استفاده در هنر تذهیب اشاره کرد. از دیگر رنگ‌های به کار رفته می‌توان به شنجرف، زنگار و سفیداب اشاره نمود (ویلسون^{۲۰}، ۱۹۸۸: ۱۲). طلا از جمله رنگ‌های سنتی است که با آلیاژهای مختلف تولید رنگ‌های متنوع می‌کند. این رنگ‌ها به دو صورت غیر درخشان خام و براق یا پخته استفاده می‌شود. برای رسیدن به این مرحله عموماً از سنگ‌های صاف مثل عقیق بدون خدشه استفاده می‌گردد. لاجورد با رنگ آبی از سنگی به همین نام استحصال می‌شود که معمولاً لاجورد معادن بدخشان افغانستان از شهرت بالایی برخوردار است. با استفاده از سنگ لاجورد می‌توان طیف گسترده‌ای از رنگ آبی بدست آورد یعنی از آبی روشن و شاد یا تیره و عمیق، در دوره‌ای متمایل به سبز و گاهی در ترکیب با دیگر رنگ‌ها مثل نیل، زرنیخ و قرمز دانه رنگ‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند که هر کدام تأثیر فرمی متفاوتی دارد. از دیگر رنگ‌های پرکاربرد به شنجرف، زنگار و سفیداب نیز می‌توان اشاره کرد.

^{۱۹} مایل هروی

^{۲۰} ویلسون

تحلیل داده‌ها

الف) قرآن تاشی خاتون

اولین قرآن، مربوط به انتهای نیمه یک سده ۸ هجری/ ۱۴ میلادی و دوره آل اینجو از شیراز است. واقف این قرآن که در سی‌پاره نگاشته شده است، «تاشی خاتون» مادر شاه «شیخ ابواسحاق اینجو» می‌باشد. این قرآن ارزشمند به خط خوشنویس بزرگ دوران «یحیی صوفی جمالی» نگاشته شده و در جزء سی قرآن امضاء مذهب، «محمد حمزه العلوی» آمده است که می‌توان آن را به کل قرآن‌ها تعمیم داد چرا که شیوه تذهیب در تمامی پاره‌های موجود یکسان است، اما تغییرات اندکی در تزئینات به چشم می‌خورد که می‌تواند دال بر این باشد که احتمالاً توسط اشخاص مختلف اما تحت نظر «استاد حمزه العلوی» تذهیب‌ها به انجام رسیده است و یا حتی ممکن است به مرور زمان بطور طبیعی تغییراتی در سبک کار استاد روی داده باشد.

از بین بیست و هشت جزء از سی جزء موجود در موزه پارس شیراز، جزء چهار به عنوان نمونه معرفی و بررسی می‌شود. جلدی ساده از چرم سبز رنگ این مصحف شریف را در بر گرفته که این سادگی حکایت از آن دارد که این جلد، جلد اصلی نبوده و بعد از تعمیر به کار رفته است.



متن در ابعاد ۲۴×۳۹ سانتی متر با احتساب قسمت تذهیب است. قسمت خوشنویسی در صفحه



تصویر ۲: شمسه نشانگان ده آیه موجود درموزه پارس شیراز
(نگارندگان، ۱۳۹۵)



تصویر ۱: صفحه نخست قرآن تاشی خاتون موجود درموزه پارس شیراز (نگارندگان، ۱۳۹۵)
تصویر ۳: ترنج نشانگان پنج آیه موجود درموزه پارس شیراز
(نگارندگان، ۱۳۹۵)

یک ۲۲×۱۵ است که در سه طرف، تذهیبی با تزئین اسلیمی‌ها اطراف‌ها کار را فراگرفته و ضخامت حاشیه ۲

عنوان مقاله: سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز
با تأکید بر مؤلفه‌های فرم‌های تزئینی

سانتی‌متر است. تقسیم‌بندی‌ها به صورت نسبت ۱-۲-۱ طراحی شده است یعنی یک قسمت کتیبه در بالا ذکر عنوان و قسمت میانی که بلندی آن دو برابر و حاوی نوشتار است. در پایان نیز کتیبه دیگری است که مضمون متفاوتی دارد. ابعاد قسمت خوشنویسی و تذهیب در بلندای ۷، ۱۵ و ۷ سانتی‌متر که اطراف آن نیز سراسر تذهیب حاشیه فراگرفته است و ضخامت ۲ سانتی‌متری دارد و در مجموع با احتساب جداول بلندی کار به ابعاد ۳۵ سانت می‌رسد (تصویر شماره ۱).

حاشیه‌های سفید از کناره آزاد و بالا ۷ سانتی‌متر و در پایین ۵ سانتی‌متر است. در سایر صفحات تنها در میانه صفحه با ابعاد ۲۳/۵×۳۵ سانتی‌متر چارچوبی ترسیم شده که تنها تزئین اصلی آن جدولی است مرکب از یک خط طلایی که دو طرف آن محصور به جداولی از خطوط لاجوردی است. در انتهای هر آیه تزئینی به شکل دایره‌وار دیده می‌شود. در این صفحات حاشیه سفید در سمت فوقانی و تحتانی به یک اندازه و ۵ سانتی‌متر است و در سمت مقابل شیرازه نیز ۹ سانت حاشیه سفید وجود دارد. تزئینات دیگر شامل اشکال ترنج و شمشه است که در صفحات مختلف رسم شده، اشکال شمشه مانند همچنان که در داخل آن با خطوط گرافیکی نمایش داده شده، به نشانه هر ده آیه بوده و اشکال ترنج اشک مانند در انتهای هر پنج آیه رسم شده است (تصاویر شماره ۲ و ۳).

در قسمت نوشتار، آیات با پلاننگارش یافته و با مرکب سیاه دورگیری می‌شد که این شیوه در تمام دوره‌ها برای جلوگیری از ریزش طلا، به کار می‌رفت. جنس کاغذ این قرآن ضخیم و احتمالاً خانبالغ است که به رنگ کرم نخودی می‌باشد. در تزئین و تذهیب این قرآن استفاده از طرح‌های اسلیمی بسیار مرسوم بوده و طرح‌های ساده نباتی به صورت مکمل و در زمینه کتیبه‌ها به کار رفته است. در قسمت خارجی یا حاشیه لوح، اسلیمی‌های زنجیروار و پیوسته در کنار یکدیگر نشسته‌اند. زمینه رنگی به صورت لاجورد غالب است که با ترنج‌های کوچکی به رنگ‌های شنجرف روشن، سبز و سیاه رنگ‌آمیزی شده‌اند. در کناره مقابل شیرازه، در هر صفحه نشانه‌هایی به شکل شمشه یا ترنج آمیخته با نقوش اسلیمی منقوش شده است (تصاویر شماره ۲ و ۳).

صفحه ابتدایی مرمت و تعمیر شده اما به نظر می‌رسد قسمت وقف‌نامه اصل باشد. نوشته‌ها با مرکب سیاه به خط توقیع نگاشته شده و واقف را شیخ ابواسحاق نامیده است. فضای بین خطوط به کمک رنگ قرمز و خطوط مورب یا هاشورزنی فضا سازی شده و با دندان‌موشی این خطوط از قسمت خوشنویسی جدا می‌شود. در صفحه پایانی این جزء رقم کاتب به کمک رنگ‌نویسی و با رنگ لاجورد آمده که کاتب را یحیی جمالی صوفی معرفی می‌نامد و تاریخ کتابت را سال ۷۴۶ ه.ق/ ۱۳۴۵ م و در زمان ابواسحاق اینجو

بیان می‌کند. فضای بین خطوط به وسیله هاشورزنی و با رنگ قرمز پر و اصطلاحاً دندان‌موشی زده شده‌است.

ب) قرآن ابراهیم سلطان

قرآن منسوب به قرآن ابراهیم سلطان، شاهزاده و خوشنویس تیموری، در ابعاد ۴۶×۵۵ سانتی‌متر با جلد چرم زرد رنگ که به مرور زمان به قهوه‌ای بدل شده‌است. جلد به روش سوخت و با طرح لچک ترنج تزئین شده و با رنگ لاجورد و طلا رنگ‌آمیزی گشته اما رنگ آن تا حدودی تغییر کرده و دچار ریختگی شده‌است.

قرآن در ۳۴ صفحه بر کاغذی از جنس احتمالاً خان‌بلیغ نگاشته شده چرا که «این جنس کاغذ در دوره تیموری کاربرد فراوان داشته‌است» (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۴۷). صفحه یک نگارش سوره حمد است که بسم الله به خط محقق و متن به خط ثلث و با طلا نگاشته و با رنگ سیاه دورگیری شده‌است. دلیل قلم‌گیری خطوط مطلا ریزش و محو شدن حاشیه طلا در رنگ کاغذ است که به وسیله دورگیری زیبایی خط نشان داده می‌شود. مشخصات سوره در بالا و پایین صفحه در داخل کتیبه‌های سراسر مذهب به خط کوفی ایرانی به رنگ سیاه و قلم‌گیری طلا نگارش شده‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۴: صفحه نخست قرآن ابراهیم سلطان تیموری موجود در موزه پارس شیراز (عکس از نگارندگان ۱۳۹۵)

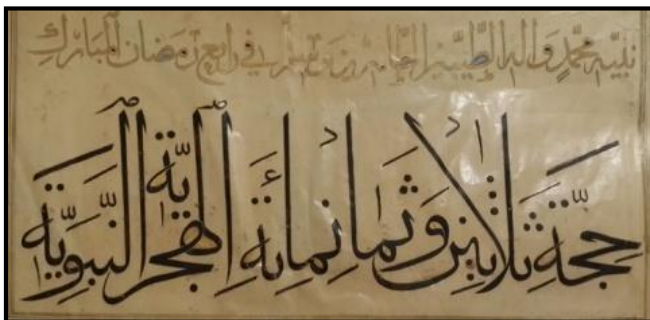
تصویر ۵: ترنج حاشیه در صفحات میانی در قرآن ابراهیم سلطان موجود در موزه پارس شیراز (عکس از نگارندگان ۱۳۹۵)

کتاب آرایبی و نقوش این صفحات، کاملاً براساس سبک قرآن‌های این دوره است. عناوین در دو کتیبه در بالا و پایین صفحه آمده که اشکال کتیبه‌ای با رنگ‌های غالب طلا و لاجورد نقش‌اندازی شده است. نقوش ترنج میانی به وسیله کمربندی چرخشی و منقش تقسیم‌بندی شده و هر قسمت به طور جداگانه با نقوش زیبایی ختایی طرح‌اندازی شده است (تصویر شماره ۴). رنگ غالب زمینه رنگ لاجورد است که مشخصاً لاجورد این دوره رنگ شاد و نسبتاً روشنی دارد. در بعضی قسمت‌ها اندکی از رنگ سیاه، قرمز و سبز به‌عنوان تنوع استفاده شده، ولی آنچه نظر بیننده را جلب می‌کند، استفاده از طلا و لاجورد است که در کنار هم ترکیبی زیبا و مانا پدید می‌آورند. ترکیب طلا و لاجورد تا امروز استفاده وسیعی دارد.

قرآن ابراهیم سلطان به صورت کامل نگاشته نشده و مبتنی بر تعدادی سوره از جزءهای گوناگون است، گویی این سوره‌ها برای دلیل مشخصی این‌چنین به دنبال هم نگاشته شده‌اند. **سور** به تحریر آمده

عنوان مقاله: سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز
با تأکید بر مؤلفی‌های تزیینی

عبارتند از: سوره‌های حمد، طه، یس، شوری، دخان، دهر، والیل، والضحی، فیل، قریش، دین (معاون)، کوثر، کافرون، نصر، مسد، اخلاص، ناس و فلق.



تصویر ۶: رقم تاریخ کتابت در قرآن ابراهیم سلطان
موجود در موزه پارس شیراز (عکس از نگارندگان ۱۳۹۵)

متن قرآن در جدولی به ابعاد ۳۶×۴۸ سانتی‌متر نوشته شده که صفحات مجداول بدون کمند حاشیه است و حاشیه سفید صفحات حدود ۷ و ۸/۵ سانت است که در حاشیه سفید، توضیحات، وقف‌نامه و نیز در اکثر صفحات؛ ترنج‌های مستقل برگ مانند و یا شمشه‌های کوچک در حاشیه آورده شده است. این ترنج‌ها در بعضی صفحات یک و در بعضی دیگر به صورت

دو ترنج است (تصویر شماره ۵). رقم پایانی قرآن، به روشنی راقم سطور را ابراهیم سلطان تیموری معرفی کرده و بر پیامبر و آتش درود می‌فرستد. تاریخ اتمام کار طبق نوشته پایانی ۴ رمضان سال ۸۳۰ ه.ق/ ۱۴۲۶ م. می‌باشد (تصویر شماره ۶). صفحه آخر مزین به دعای ختم قرآن است که به خط نسخ بسیار زیبا و تکامل‌یافته شیوه یاقوتی^{۲۱} نگاشته شده و محاط در دایره مذهب به رنگ لاجورد روشن با دو ترنج کوچک در بالا و پایین صفحه است که رقم ۸۳۴ ه.ق/ ۱۴۳۰ م. را دارد، خوشنویس این صفحه معلوم نیست. آرایه‌های این قرآن بسیار زیبا، ظریف و متنوع ترسیم شده است.

ج) قرآن‌های دوره قاجاریه

از دوره قاجاریه قرآن‌های بسیار با تقسیم‌بندی‌های متعدد و متنوع بدست آمده اما سبک حاکم بر آثار نوعی وحدت سبکی را نشان می‌دهد. عمدتاً قرآن‌های این دوره دارای قطع‌های کوچک وزیری یا جانمازی و بازوبندی هستند. ارزش خطوط از متوسط تا عالی ارزیابی می‌شود. تذهیب این قرآن‌ها معمولاً دارای ارزشی متناسب و برابر با نوع خط به کار رفته به نظر می‌رسد. در عصر قاجار از کاغذهای خارجی و ماشینی نیز استفاده می‌شده که البته، این

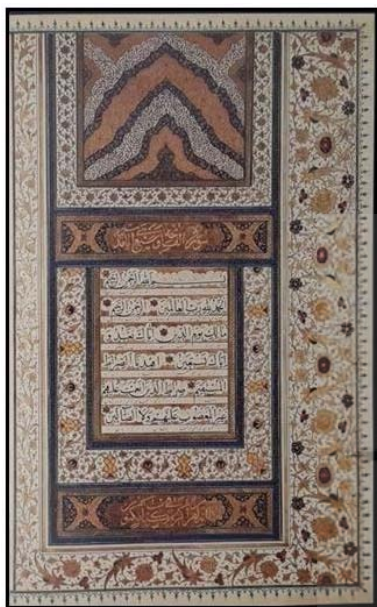
۲۱. یاقوت مستعصمی

کاغذها نیز آهار زده و پس از مهره‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گرفت. می‌توان پیشرفت جهش‌واری در عناصر تزئینی تذهیب این دوره مشاهده نمود. اسلیمی‌ها و نقوش نباتی به کار رفته در تذهیب‌های سبک قاجاری مکتب شیراز، نوعی از تنوع و دقت خاص هنری در بیان ارزش‌های بصری را نشان می‌دهند. طیف وسیعی از اسلیمی‌های گلدار در این دوره بیشتر استفاده می‌شد و اسلیمی دهان‌اژدری که احتمالاً برگرفته از عناصر حیوانی است، کاربرد فراوانی دارد (استنلی و دیگران، ۱۹۹۸). عناصر به کار رفته در این دوره کاملاً متمایز از قبل است. در تذهیب‌های این دوره مکتب شیراز، نشان دادن شکل گل و برگ با استفاده از حرکت قلم‌مو معمول نبوده، بلکه شکل‌های به تصویر درآمده با وجود کوچکی نقوش با کشیدن خطوط محیطی به منصفه ظهور رسیده‌اند و طرح گل‌ها کاملاً با دوره قبل از آن متفاوت و دقیق‌تر است.

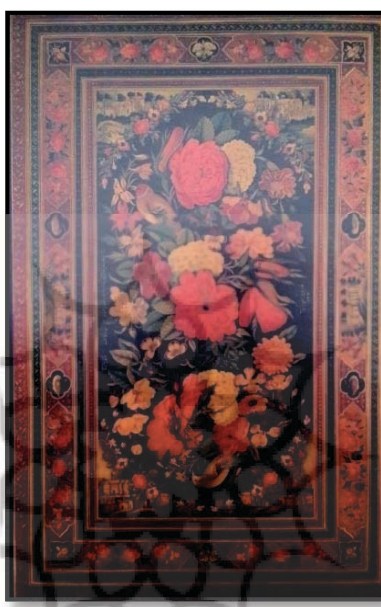
قرآنی از وصال شیرازی به جا مانده که تصویر آن در کتاب «الف-لام-میم» می‌باشد (تصویر شماره ۷). در کتابت این قرآن برای خطوط عربی از خط نسخ دو دانگ جلی و برای معانی فارسی از خط نستعلیق به صورت غبار استفاده شده است. در این نسخه پهنای قسمت خوشنویسی شده بیشتر از تاج سرلوحه بوده که با حاشیه‌ای از اسلیمی که در سرلوحه آمده، پهنای دو قسمت با هم برابر شده و پس از جدول‌کشی‌های متعدد که توأم با گره‌اندازی بوده، حاشیه‌ای تمام رنگی نیز دور آن را فرا گرفته است. پهنای حاشیه در قسمت عطف ضخامت نصف حاشیه در قسمت روبرو و لبه قرآن دارد. در تزئین و تذهیب قرآن مذکور تنوع طرح وجود دارد؛ یعنی کتیبه فوقانی و تحتانی که اغلب با یک طرح و شکل متمایز بوده در اینجا دارای تنوع فرم و شکل است. همچنین حاشیه‌ها در سه طرف صفحه دارای سطوح مختلف است اما در کل، صفحه با استفاده از یکسانی رنگ که طلا، لاجورد و شنجراف می‌باشد هماهنگی به وجود آورده است؛ به نحوی که بیننده در ابتدا متوجه این تفاوت نبوده و با دقت در اثر متوجه تنوع و تعدد فرم می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

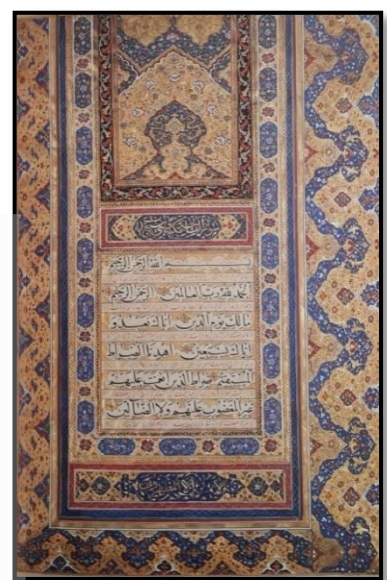
قطع قرآن، رحلی با ابعاد ۳۷/۵×۲۴/۵ می‌باشد. در جلد قرآن، از چرم استفاده نشده بلکه مقوای روغنی با نقش گل و مرغ و با رقم لطفعلی شیرازی است (تصویر شماره ۸). جلد به سال ۱۲۷۴ ه.ق/ ۱۸۵۷ م. نقش‌اندازی شده، در صورتی که اصل قرآن که به خط وصال شیرازی پدر و پسرانش است به تاریخ ۱۲۶۲ ه.ق/ ۱۸۴۵ م. کتابت شده است. این قرآن دارای ۵۱۰ صفحه است که در هر صفحه ۱۴ سطر کتابت آیات با خط نسخ و مرکب سیاه و ۱۴ سطر نیز ترجمه آیات به خط نستعلیق قرمز می‌باشد. دو صفحه نخست دارای شش سطر کتابت قرآن بوده و مابقی صفحه را



تصویر ۹: قرآن به خط محمد شفیع ارسنجانی از دوره قاجار (تصویر از کتاب الف- لام- میم ۱۳۸۳)



تصویر ۸: طرح جلد قرآن دوره قاجار (تصویر از کتاب الف- لام- میم ۱۳۸۳)



تصویر ۷: قرآن به خط وصال شیرازی از دوره قاجار (تصویر از کتاب الف- لام- میم ۱۳۸۳)

تزئین تذهیب پوشانده است.

در قرآن دیگر که تذهیب متفاوت دارد و در کتاب «الف- لام- میم» تصویر شده و به خط استاد بزرگ میرزا محمد شفیع ارسنجانی کتابت شده به خط نسخ با ترجمه آیات نستعلیق به خط محمد علی مستوفی است. تاریخ کتابت به سال ۱۳۲۲ ه.ق/ ۱۹۰۴ م. می‌باشد (تصویر شماره ۹).

قطع این قرآن رحلی با ابعاد ۲۵×۳۸ سانتی‌متر بوده و برکاغذ خانبالیغ نگاشته شده است. در اینجا نیز از جلد مقوایی استفاده شده و بیرون و درون جلد با نقوش گل و بوته، نقش‌اندازی شده است. در تزئین جلد قرآن‌های نفیس

عنوان مقاله: سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز
با تأکید بر مؤلفه‌های تزیینی

این دوره نقوش گل و مرغ دیده می‌شود (تصویر شماره ۸). تعداد سطور کتابت شده در صفحه یک و دو این قرآن نیز، شش سطر و در میان صفحه بوده و باقی پوشیده از نقوش زیبای تذهیب است. سرلوحه تاج مانند، همچون دیگر آثار این دوره وجود دارد که با قسمت‌هایی مملو از اسلیمی پوشیده شده است (تصویر شماره ۱۰). در این زمان شاهد کاربرد عناصر اسلیمی و ختایی در کنار یکدیگریم. طرح کتیبه بالا و پائین کاملاً مشابه یکدیگر است. حاشیه یک که هم دور خط و هم اطراف سرلوحه است، طرح‌هایی جداگانه دارد؛ بدون رنگ زمینه، بر پایه استفاده از طلا و همراه با دورگیری مشکی می‌باشد. نقوش طرح یک از اسلیمی و ختایی توأمان پوشیده شده، اما طرح حاشیه اطراف که سرا سری و بدون رنگ زمینه است؛ تنها طرح‌های نباتی و به رنگ طلا دارد که در بعضی قسمت‌ها اشارات کمی از رنگ‌های سبز، لاجورد و شنجرف تیره دارد اما رنگ غالب طلا است. در اینجا شاهد تحولی دیگر نیز هستیم و آن استفاده از خطوطی ریز و نقطه مانند است که در تذهیب آمده و تمام فضاهای خالی به این وسیله پوشیده می‌شود، گویی از وجود حتی اندکی سطح بدون نقش پرهیز کرده و باید صفحه کاملاً نقش‌اندازی شده است (تصویر شماره ۱۱).



تصویر ۱۱: جزئیات حاشیه در قرآن نمونه دوره قاجار
(عکس از نگارندگان ۱۳۹۵)



تصویر ۱۰: جزئیات سرلوحه در قرآن نمونه دوره قاجار
(عکس از نگارندگان ۱۳۹۵)

در تقسیمات کتاب‌آرایی گفتنی است که ضخامت کتیبه به اندازه دو سطر نوشتار است یعنی تقسیم‌بندی صفحه بر پایه ۱،۲،۱ کاملاً تغییر کرده و خوشنویسی تنها جزئی از صفحه ابتدایی را شامل می‌شود. آنچه در دو صفحه شروع

عنوان مقاله: سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز
با تأکید بر مؤلفه‌های فرم‌های تزئینی

قرآن‌ها به چشم می‌خورد، باغی پر گل است که پس از آن، آیات قرآن آغاز می‌شود. این‌گونه، شروعی جذاب‌تر و دلنشین‌تر برای پذیرش آیات وحی را به وجود می‌آورد.

سبک‌شناسی نمونه‌های مورد مطالعه

سبک‌شناسی به طور معمول باید براساس مؤلفه‌هایی صورت بگیرد که در سبک‌شناسی صورت‌گرا می‌تواند فرم و نحوه استفاده از عناصر فرمی باشد. رنگ و چیدمان آن، فراوانی استفاده از طلا و لاجورد که از رنگ‌های عمده مورد استفاده در تذهیب است، عناصر فرمی مثل اسلیمی و ختایی و نحوه قرار گرفتن آنها در کنار هم و همچنین تقسیم صفحه از جهت تنوع کتاب‌آرایی است که هر کدام مؤلفه‌هایی است که انواع سبک را می‌تواند مشخص کند. می‌توان به این واقعیت اذعان کرد که «هنر به عنوان یک قسمت پیچیده از یک ارگانیسم بزرگ نمایان است» (راتشیلد^{۲۲}، ۱۹۶۰: ۲۳۵). در تقسیم‌بندی سبک‌های مختلف هنر تذهیب باید با استفاده از عناصر نباتی و حیوانی اقدام نمود. به این ترتیب که بهره‌گیری از نقوش و طرح‌های اسلیمی در دوره اولیه را می‌توان مد نظر قرار داد. در دوره بعد به تدریج نقوش نباتی نیز در تزئین آیات استفاده شده است که این خود سبکی دیگر در تذهیب قرآن‌ها را به وجود می‌آورد. در دوره‌های متأخر شاهد تحولاتی هستیم به این معنا که گاهی به صورت سبک و کمتر کار شده و گاهی نیز مفضل است؛ اما در بعضی آثار این دوره بازگشت و رجعت به قبل دیده می‌شود. در اینجا بیننده شاهد تنوع و تعدد در عین پیشرفت در این هنر است، به این معنی که تنها از اسلیمی به عنوان عامل تزئین استفاده نشده و نقوش و ترکیب تزئینات سیر پیشرفته، زیبا و مرتب‌تری را نشان می‌دهد. تعدد وجود آثار در سومین دوره از سبک‌نگاری از یک طرف به دلیل جهت‌گیری فرمانروایان، تأکید بر نوشتن و بجا گذاشتن قرآن برای باقیات صالحات است و از دیگر سو عدم هجوم و به آتش کشیدن کتابخانه‌ها است که باعث بجاماندن کتب، نوشتار و قرآن‌ها شده است.

تفسیر سبک‌شناسی صورت‌گرا در قرآن‌های مکتب شیراز

اساس و بنیان در سبک‌شناسی صورت‌گرا بر ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد سبک مورد مطالعه است. در محدوده‌ی تاریخی این مطالعه یک دوره‌ی سیر تحول از زمان آل اینجو تا قاجار مدنظر است که همه‌ی قرآن‌های مورد مطالعه تابع مکتب شیراز طبقه‌بندی می‌شوند. لذا در این بخش هدف آن است تا سیر تحول تکوینی فرم را در این سه سبک یا دوره مشخص نمود. بر مبنای مطالعات فرمی تناسب رعایت شده در قرآن‌های دوره ابتدایی مکتب شیراز به نسبت ۱،۲،۱ است. این نسبت شامل دو قسمت در بالا و پایین که در مجموع قسمت‌های کتیبه تذهیب بوده و از نقطه

^{۲۲} هف ظلع د

نظر اندازه برابر با قسمت میانی است که خوشنویسی در آن انجام می‌شد. استفاده از خط محقق با ابعادی نسبتاً درشت از ویژگی‌های سبکی این عصر به شمار می‌آید. البته تذهیب‌ها نیز در دوره‌ی یک درشت‌تر از ادوار بعد بوده است. در قرآن‌های سده ۸، آنچه به طور بارز به چشم می‌خورد، استفاده حداکثر فضا از طرح‌های اسلیمی است. چنانچه در طرح حاشیه، کتیبه و ترنج‌ها صرفاً از نقوش اسلیمی استفاده شده و تنها برای پر کردن زمینه یک قسمت از کتیبه که متن و نوشته دارد، از نقوش برگ مانند نباتی استفاده کرده است. این ویژگی به عنوان یک عامل برجسته در سبک این دوره شناخته می‌شود. هنرمند با استفاده از این عناصر نوعی آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی را به نمایش در می‌آورد و محصول آن سبک قرن ۸ هجری است. استفاده از «خط محقق» با ابعاد بزرگ و جلی‌نویسی از خصوصیات خوشنویسان آن دوره بوده و به همین خاطر قرآن‌های در ابعاد بزرگ موجود است. ایشان قدرت قلم و توانایی دست خوشنویس را در درشت‌نویسی می‌دانسته‌اند.

طرح‌های اولیه تذهیب به دلیل عدم امکاناتی چون کمبود نور و قلم‌موهای ظریف و بزرگی خط، درشت‌تر و کم‌دقت‌تر بود. در دوره‌های بعد از قرن ۱۰ با ابداع خط نستعلیق؛ که همچون نسخ از جمله خطوط ریز نقش و خفی است، محل نگارش خوشنویسی قرآن‌ها کوچک‌تر از قبل شد، لذا فضای بیشتری به تذهیب اختصاص یافت؛ همچنین ابداع کاغذ نیمه شفاف و نازک پوستی که قابلیت انتقال طرح بر زمینه اصلی اجرا را دارد، باعث شد طرح‌های تذهیب ظریف‌تر از قبل شوند. شایان ذکر می‌باشد که تنوع تقسیمات صورت گرفته بسیار زیاد بوده و هر قرآن نشان‌دهنده ویژگی شخص مذهب است. چنانچه در بعضی قرآن‌ها کتیبه به اندازه دو سطر و در بعضی به بلندای یک سطر و همچنین در برخی از قرآن‌ها تذهیب حاشیه در سه سمت و در برخی در دو سمت کناره و پایین صورت می‌پذیرد. حاشیه گاهی تنها با تشعیر و گاهی به صورت کامل و تمام رنگی تزیین می‌شود. این تنوع در آرایش و کتاب‌آرایی می‌تواند باعث دشواری در سبک‌شناسی قرآن‌ها شود و بیشتر ذوق فردی هنرمندان را نشان می‌دهد. لذا به صورت قطعی نمی‌توان برای سبک هر دوره شاخصه‌هایی استاندارد بیان نمود.

ویژگی مشترک قرآن‌های سده ۱۲ و ۱۳ هجری قمری در شیراز، استفاده از طرح سرلوحه به صورت تاج است. این طرح نوعی شاخصه‌ی برجسته برای سبک سده‌های ۱۲ و ۱۳ هجری قمری به شمار می‌آید. در این قسمت، سرلوحه به صورت تاج با واگیره^۱ طراحی می‌شد؛ یعنی یک قسمت از طرح دو بار تکرار می‌شود، اما در هر قرآن شکل تاج دارای نقش، طرح و رنگ متفاوت است بنابراین ساختار کلی تاج به عنوان ویژگی خاص سبک این عصر به شمار می‌رود اما جزئیات به عنوان عناصر آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی هنرمندان مذهب شناخته می‌شود که سبک‌های فردی این دوره را شکل می‌دهند. در تقسیم‌بندی تاج اغلب یک قسمت جهت عنوان‌نویسی وجود دارد و در

قسمت‌بندی‌های دیگر که معمولاً در آنها از طلا نیز بسیار استفاده شده، حاشیه‌ای با طرح اسلیمی نیز دیده می‌شود. این ویژگی مختص مکتب شیراز است.

در قسمت خوشنویسی عموماً اندازه عرض آن کوچکتر از کتیبه طراحی می‌شد و به کمک حاشیه‌ای در اطراف اندازه آن به کتیبه می‌رسید؛ به این مفهوم که معمولاً یک حاشیه باریک که در بعضی قرآن‌ها شامل جداول مختلف می‌شد، در کنار بخش کتیبه قرار می‌گرفت. این بخش در برخی از قرآن‌ها با طرح‌های اسلیمی تزیین می‌گشت. دومین حاشیه نیز بسان جدولی ثانویه اما پهن‌تر است که دور تا دور قسمت‌های خط، کتیبه و سرلوحه را می‌پوشاند و عموماً به وسیله طرح گل‌های ختایی و یا گاهی توأم با اسلیمی‌های ریز نقش‌اندازی شده است (تصاویر شماره ۷ و ۹).

پس از جداول و گره‌اندازی‌ها، سومین حاشیه در بیرون است که گاهی تنها از چرخش‌های حلزونی و طرح‌های نباتی آکنده شده و گاهی نیز کاملاً به وسیله نقوش بسیار ریز و ظریف و مملو از طرح‌های اسلیمی و ختایی نقش‌اندازی و سراسر رنگ‌آمیزی شده است. رنگ عمده مورد استفاده، طلا با آلیاژهای گوناگون و لاجورد تیره است. به نظر می‌رسد تعدد مذهبین تنوع تذهیب را در این دوره باعث شده است؛ اما آنچه کاملاً مشهود و در میان قرآن‌های این دوره مشترک به نظر می‌رسد، نقش سرلوحه تاج مانند آنهاست. همان‌طور که در تصاویر ۷ و ۹ مشاهده می‌شود در قسمت پایین این تاج یک کتیبه قرار می‌گیرد که در میانه آن معمولاً با خط زیبای نسخ عبارتی کتابت و تزیین می‌شود. تذهیب کاملاً در خدمت خط و خوشنویسی آیات قرار داشته، چنان که در زمانی که خط، محقق جلی بوده، تذهیب در حد آن، زمانی که خط نسخ خفیف و نستعلیق بوده نیز تذهیب فراخور آن نقش شده است.

آنچه تاکنون بیان شد، تناسب فرم از نظر عناصر بوده که به این ترتیب فرم‌های گوناگون در هر دوره پدید می‌آمده است. از نظر تناسب و به کار بردن فرم «الف» در مورد قرآن‌های مکاتب مختلف شیراز شایان ذکر است که از دوره ایلخانی قرآن زیبای تاشی‌خاتون موجود است که تقسیم‌بندی آیات و فرم شکل گرفته صفحه چنان که گفته شد، در نسبت ۱،۲،۱ است. ابعاد صفحه و تقسیم‌بندی در ابعاد طلایی بوده و کاملاً چشم‌نواز و متناسب است. با استفاده از نقوش اسلیمی، فضاهایی به وجود آمده که منشأ استفاده از رنگ‌های مختلف بوده و بدین ترتیب ساختار اثر تذهیب شکل گرفته است. عناصر هنری از قبیل خط، رنگ، تونالیته اثر که مجموع طلا و لاجورد حاکم است و شکل اثر، در مجموع فضای معنوی را حاکم می‌کند که از قرآن و آیات آن انتظار می‌رود. به کار بردن طلا با جنبه‌های درخشان همان عنصر فرمی است که قرن‌ها در تناسبات ایرانی به کار رفته و تاتارکیویچ آن را در فرم «الف» یعنی تناسب و درخشندگی اثر بیان کرده است. تباین رنگی که بین لاجورد و طلا وجود دارد هم اکنون نیز پس از گذشت قرن‌ها لازم الاجرا به نظر می‌رسد.

سومین فرم را تاتار کیویچ فرم «ج» نامیده و بر طبق تعاریف، شامل خطوط حاشیه یا طرح است که شکل شیء را به وجود می‌آورد و نیز در نوع دیگر با استفاده از رنگ، شکل جسم را جلوه‌گر می‌کند. این هر دو نوع استفاده از فرم «ج» هم در ارتباط با طرح و هم در جایی که رنگ در جایگاه همتراز فرم کارایی می‌یابد در قرآن ابراهیم سلطان کاملاً بارز و آشکار است. در قسمت‌هایی که رنگ زمینه وجود ندارد و از طلا برای نمایاندن شکل گل‌ها استفاده شده، نیازی به استفاده زیاد از طلا نبوده و به صورت بسیار رقیق استفاده شده است. در اینجا بنا به ضرورت، چون حاشیه طلا ریزش داشته و رنگ آن نیز در رنگ زمینه کاغذ محو می‌شود، اطراف نقوش به وسیله دورگیری رنگ‌آمیزی شده و در حقیقت طرح گل و شاخه‌ها به وسیله رنگ مشکی نشان داده شده است؛ اما زمانی که رنگ لاجورد برای زمینه‌نگاری به کار رفته و پس از آن گل‌ها نقش شده‌اند، رنگ گل‌ها که اغلب طلا است، تنها با حرکت قلم مو کار شده و از حرکت قلم‌مو در جهت نشان دادن شکل گل استفاده شده است. در اینجا به اجبار از طلا در شکل غلیظ‌تر استفاده شده تا هم با لاجورد زمینه تداخل رنگ نداشته باشد و هم نیازی به دورگیری نباشد.

در این قرآن به طور اخص هر دو کاربرد فرم «ج» محسوس و مثال زدنی است. در قرآن‌های ادوار بعد به طور عمده از فرم «ج» در شکل طرح و نقش استفاده شده و با دورگیری عناصر اشکال آن ظاهر گشته است. در استفاده از عناصر، همچنان فرم‌های گذشته ولی دقیق‌تر و اصولی‌تر اجرا شده است. این مسئله نشان‌دهنده تغییراتی است که بر حسب شرایط فرهنگی به وجود آمده اما در تقسیمات کتاب‌آرایی نیز شاهد تحولاتی هستیم که پاره‌ای از آن به دلیل شرایط خطی است از جمله تقسیمات کتیبه که در زمان‌های قبل به دلیل استفاده از خطوط ثلث و محقق که جلی می‌باشند صفحه را از طول به چهار قسمت تقسیم می‌کرده‌اند. از این تقسیمات دو قسمت فوقانی و تحتانی به تذهیب اختصاص می‌یافت و نیمه میانی که مجموع قسمت‌های قبلی بود مخصوص خوشنویسی آیات قرآن بوده است. در دوره بعد یعنی از زمان صفویه به بعد که خط مورد استفاده اغلب نسخ و نستعلیق خفی یا کوچک بوده اندازه بلندی قسمت کتیبه به حد بلندی یک یا دو سطر محدود می‌شده است، چه قرآن در ابعاد جانمازی یا در قطع رحلی نوشته شده باشد. آنچه تفاوت مکتب شیراز در دوره قاجار با سایر مناطق است، تقسیم‌بندی صفحه بر نقش سرلوحه به صورت تاج و همراه حاشیه‌نگاری است که در اکثر آثار تذهیب قرآنی مکتب سوم شیراز به چشم می‌خورد. پس از این تقسیم‌بندی، کتیبه‌ای که حاوی عنوان است قرار داشته و در زیر این قسمت، فضایی که خوشنویسی در آن انجام شده و اطراف تمام این قسمت‌ها با جداولی که ممکن است حاوی گره‌بندی یا فاقد آن بوده باشد، پر شده است. آنچه در اینجا شایان ذکر است، استفاده از نقوش تشعیر مانند و تک‌رنگ اغلب طلائی است که حاوی نقوش برگ مانند و نباتی بوده و در حاشیه نقش می‌شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه از ابتدای این تحقیق گفته شد، آثار هنری تذهیب در مکتب شیراز بررسی و دسته‌بندی می‌شود. در چنین نظرگاهی سبک اولیه دوره‌ای شناخته می‌شود که تنها از طرح‌های اسلیمی استفاده شده است. این سبک را می‌توان سبک «یگانه» و هنرمندانی که اینچنین در کار خود تنها از طرح‌های اسلیمی استفاده کرده‌اند را «یگانیان» نامید (تصویر شماره ۱).

در دوره‌ای استفاده از عناصر ختایی در قرآن‌ها آغاز شده است. این نقوش با تجسم طبیعی و برگرفته از طبیعت اما کاملاً انتزاعی است. استفاده از طرح‌های برگرفته ختایی در کنار رنگ لاجورد روشن تجسم به‌شت را در کنار آیات قرآن یادآوری می‌کند و هیئت بند اسلیمی و ختایی که در کنار یکدیگر همنشینی دارند اما اختلاط و امتزاج در آن وجود ندارد گویی نشان‌دهنده طبقات مختلف به‌شت است که در آن هر گونه، جایگاه و مقام ویژه دارند. می‌توان این دوره را به دلیل یادآوری بهشت، «پردیس» نام نهاد و هنرمندان این دوره را «پردیسان» نامید. نمایندگی سبک «پردیس» بیشتر در دست هنرمندان تیموری است (تصویر شماره ۴).

دوره بعد، مکتب سوم شیراز است که تاکنون نیز ادامه دارد. این دوره هنری ویژگی خاص دوره صفویه به بعد را دارد. در این دوره در تمام هنرها و ارکان دیگر نوعی آزادی توأم با شلوغی وجود دارد. همچنان که چهل ستون برای یک ساختمان ساخته می‌شود، مقرنس‌های مفصل مساجد با کاشی‌های رنگین به وجود می‌آید. در طرح‌های تذهیب نیز؛ به تبع خط؛ بسیار ریز و ظریف نقاشی شده و صفحه قرآن هر چند در قطع کوچک یا بزرگ باشد، به وسیله نقش و رنگ مالامال شده است. در این زمان طرح‌های اسلیمی و ختایی همراه و پایاپای استفاده شده و تنوع رنگ بسیار بیشتر از دوره ماضی بوده است؛ اما کتاب‌آرایی مخصوص این دوره در سطح جغرافیایی شیراز، استفاده از طرح تاج و حاشیه که اغلب تنها به صورت قلم‌گیری و تشعیر بوده، می‌باشد. این دوره که طرح‌ها ممزوج شده و دارای رنگ‌های متعدد است، یادآور نقش طاووس و رنگین بودن طرح‌های آن است. طاووسی که بال گشوده و شکوه خود را می‌نمایاند آنچنان که نفس در سینه بیننده حبس می‌شود و به این خلقت زیبا تبارک می‌گوید. به این جهت این دوره را طاووس‌گونه می‌توان نامید. طاووس در فارسی دری «فرش‌مرغ» است. به همین دلیل این سبک را سبک «فرشینه» و نگارگران این دوره را «فرشان» می‌توان نام نهاد. این دوره فرشینگی تا امروز نیز دوام داشته است. در این دوره از هنر تذهیب شیراز دوگونه مختلف وجود دارد. یکی آنکه طرح تاج و کتیبه تمام رنگی و لایه لایه است و در قسمت حاشیه اغلب رنگ زیادی به کار نرفته، عناصر اغلب ختایی، درشت و به رنگ طلا است و کمی از دیگر آرایه‌ها استفاده شده است. این نقوش یادآور ستون‌های مساجد نصیرالملک و وکیل است که در عین سادگی و ابهت، زیبا و خاص این خطه

است. نگارنده این سبک را «فرشینه شیراز» نام می‌نهد چراکه خصوصیات سادگی، زیبایی و باصلابتی ویژه هنرهای شیراز را دارد (تصویر شماره ۹).

نوع دیگر تذهیب در این زمان، نقش تاج و کتیبه رنگین را دارد اما نقش حاشیه نیز در آن بسیار پرکار و تمام رنگی است. به این جهت این سبک را می‌توان «فرشینه پرتاووسی» نام نهاد (تصویر شماره ۷).

به طور قطع، این گونه نام‌گذاری سه گانه بر سبک‌های مکتب شیراز بسیار ابتدایی و خلل پذیر است اما این خود، راهی است بر سایر محققان که به کمک زبان‌شناسان کلماتی مناسب‌تر بیابند. آنچه تا این قسمت بیان شد تنها شامل تذهیب‌های قرآنی می‌شود. به نظر می‌رسد که تذهیب قرآن به مرحله کمال طاووس گونه خود رسیده است. چرا که هم از رنگ‌های گوناگون و هم از عناصر متفرقه و طرح، به کمال استفاده شده اما باید در نظر داشت که تذهیب تنها در کنار آیات قرآنی نیامده و از این نقوش در تزئین شعر و نگارگری یا خود به تنهایی نیز استفاده شده، هر چند از آغاز و ابتدا این طرح تزئینی برای زیباسازی قرآن بدون خدشه وارد آوردن بر معنویت و قداست آیات به وجود آمده است.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷)، مکتب نگارگری شیراز، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- جنسن، چارلز، (۱۳۹۴)، تجزیه و تحلیل هنرهای تجسمی، مترجم بتی آواکیان، تهران، انتشارات سمت.
- خلیلی، ناصر، (۱۳۸۱)، مجموعه هنر اسلامی، تهران، نشر کارنگ.
- خوب‌نظر، حسن، (۱۳۸۰)، تاریخ شیراز، تهران، انتشارات سخن.
- سامی، علی، (۱۳۷۷)، شیراز شهر جاویدان، شیراز، انتشارات نوید.
- شپرد، آن، (۱۳۹۲)، مبانی فلسفه هنر، ترجمه علی رامین، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- عوض‌پور، بهروز، (۱۳۹۲)، درآمدی بر نظریه‌های هنر، تبریز، انتشارات موغام.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، انتشارات سخن.
- کارگر، محمدرضا؛ ساریخانی، مجید، (۱۳۹۰)، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی ایران، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین.
- کشمیری، مریم، (۱۳۹۶)، تذهیب در ایران: تاریخچه، نقوش و اصطلاحات، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین (سمت).
- لینگز، مارتین، (۱۳۷۷)، هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، گروس.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۷۲)، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد، انتشارات آستان قدس.
- مجرد تاکستانی، اردشیر، (۱۳۷۲)، راهنمای نقاشی و کتاب‌آرایی در ایران، قم، انتشارات آستانه مقدس حضرت معصومه (س).

مجرد تاکستانی، اردشیر، (۱۳۷۲)، شیوه تذهیب، تهران، انتشارات سروش.
وابرتون، نایجل، (۱۳۸۷)، چپستی هنر، ترجمه مهتاب کلانتری، تهران، نشریه نی.

مقالات:

تاتار کیویچ، ولادیسلاو (۱۳۸۱) **ت** فرم در تاریخ زیبایی شناسی **ت** ترجمه کیوان دوست‌خواه مجله هنر، شماره ۵۲، صص ۴۶-۶۱.
معتقدی، کیانوش، (۱۳۸۷) **ت** کتابت و کتاب آرائی در مکتب شیراز: شکوه خوشنویسی و تذهیب در مکتب شیراز (سده های ۸ و ۹ هجری **ت** آینه خیال، شماره ۱۰، صص ۱۱۸-۱۲۵.
رجبی، م، (۱۳۸۱) **ت** بررسی بنیان‌گذاری قرائت و کتابت قرآن کریم توسط پیامبر اکرم (ص **ت** پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات، محمد علی لسانی فشارکی، دانشگاه امام صادق، تهران.



منابع انگلیسی:

- • (۸۸۸۸) The Decorated Word: Qur'ans of the 17th to 19th Centuries. کشف معجزات کتب مقدسه در قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی.
- • . انعکاس به رسمت و رنگ آمیزی. Art, (۴۴۴).
- • (۶۶۶۶) A Dictionary, Persian, Arabic and English, کشف معجزات کتب مقدسه در قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی.
- • . انعکاس در رسمت و رنگ آمیزی. Vision and Design, (۶۶۶۶) .
- • (۶۶۶۶) The Quran: Catalogue of an Exhibition of Quran Manuscripts at the British Library, کشف معجزات کتب مقدسه در قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی.
- • (۰۰۰۰) Style in Art: The Dynamics of Art as Cultural Expression, نگاه نو بر هنر.
- • (۲۲۲۲-۱۳۰۳) The Look of the Book: Manuscript Production in Shiraz, نگاه نو بر هنر.
- • . چگونگی نگارش و چاپ کتب مقدسه در قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی.
- • (۸۸۸۸) Islamic Designs for Artists and Craftspeople (Dover Pictorial Archive), نگاه نو بر هنر.
- • (۹۹۹۹) "عنوان مقاله"، نگاه نو بر هنر.
- • (۱/۲)، ۹۹۹-۶۶۶. نگاه نو بر هنر.
- • (۶۶۶۶) نگاه نو بر هنر.

منابع تصاویر:

کمالی سروستانی، کوروش (۱۳۸۳). الف لام میم گزیده‌ای از نسخ خطی قرآن نگاران فارس، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

References

- • (۸۸۸۸/۱۳۸۶) Painting school of Shiraz, کشف معجزات کتب مقدسه در قرون ۱۷ تا ۱۹ میلادی.
- • (۵۵۵۵/۱۳۹۴) نگاه نو بر هنر.

عنوان مقاله: سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز
با تأکید بر مؤلف‌های تزیینی

- • **ذکوعلاغ ج، کوعلاغر**، *Islamic art collection*، (۲۰۰۲/۱۳۸۰) لاغ لع ح فققع غ ج
- • Khoob Nazar, Hasan, (۲۰۰۱/۱۳۷۹), *History of Shiraz, Tehran: Sokhan*.
- • **فن ع ح، یعلاغذ**، *Shiraz City of Javidan*، (۱۹۹۸/۱۳۷۶) فبق قتب ع ذ
- • **کوعلاغ رفبق ا قکع د هب**، *Aesthetics, Introduction to the Philosophy*، (۳۳۳۳/۱۳۹۱) کک ا، طاع ککغ غذ
- • **قغلاه قمع ع کع فققع کعب عذ**
- • **کع غ غمچ، کوعلاغر**، *Income on the art theories*، (۴۲۴۲/۲۲۲۲) هم گلاغ بلا مگ کع بع عن ا
- • **کوعلاغر**، *Stylistics of Theories, Approches and Methods*، (۷۷۷۷/۱۳۹۵) عم گک غع غمچ م گت
- • **کوعلاغر**، کوعلاغر
- • **کوعلاغر**، *Book of arithmetic in Islamic Civilization in Iran*، (۲۰۱۱/۰۰۰۰) فقع چب کع قعلاغ ذع بع د ع کک ع عک د لاع بلاغ ج
- • **کوعلاغر**، *Illumination in Iran: History, Drawing and Expressions*، (۲۰۱۷/۱۳۹۶) کع لاع چلاک غاغ ج
- • **کوعلاغر**، کوعلاغر
- • **فصبک هع هع**، *The Qur'anic Art of Colligraphy and Illumination*، (۱۹۹۸/۱۳۷۶) قعلاع جعلا فچ
- • **لم گلاع**، کوعلاغر، بع علاغ چب ع کع غ
- • **کعم ل ا، عع غاغ ج**، *The art of bibliopegy in islamic civilization*، (۱۹۹۳/۱۳۷۱) هف فچ، فن علث قغه ع چ
- • **لم ذ**
- • **غلم گکذ، کوعلاغر**، *The style Illumination*، (۳۳۳۳/۱۳۷۱) فلاغ لا ق کعم ل قع ر ع علاغ فک چ
- • **ک گ ذ**، *A guide to persian painting and Book Arts*، (۳۳۳۳/۱۳۷۱) فلاغ لا ق کعم ل قع ر ع علاغ فک چ
- • **عغ مگ ا، عک کعم غققع م ع ل ع ع عک چ ع کعم ا**
- • **عع حلاغه ع ح، کوعلاغر**، *What is art*، (۲۰۰۹/۷۷۷۷) قع فچ، کک ط ل ع ر
- • **کعن هع ج، بع ع قله م گپ**، *فعم غ عم ل عع گ لاک فلاغ عم فک ککلات*، (۲۰۱۰/۱۳۸۸) نع قله ع قس، بع هف قعلا ع ر
- • **۱-۶۶ خ خ**، (۲۲) هف لام گ ل هع ککث
- • **هف ع قع کع هع**، *Writing and writing in Shiraz school: The Glory of Calligraphy and Illumination in Shiraz School*، (۲۰۰۸/۱۳۸۶) هف گ کعب چب ع غ غوم گ چ
- • **لغ ع ع ذ ک ع ک ذ، هف گ ک ع غ م فک ع غلاغ ع لان م ل ع چ ع ع ع ع ک کعم علاغ ظلب**، *Investigating the Establishment of reading and writing of Holy Quran by the Holy Prophet*، (۲۰۰۳/۱۳۸۱) ع لنگ چب ع ع فغ د
- • **هع کک ع غ غ ع گ هقوع ت، هف ل لاغ ع کم**

Stylistics of Qur'anic Illumination in Shiraz School With Emphasis on the Decorative forms factor

م ع ق ع ع ع گ ج لاغ ع ش
ف کع علاغ فب ع قعلا ق ع ش کع ک لاپ
فلاع م ا ع ک ع غاغ ج ع ع علاغ ا لاپ

عنوان مقاله: سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز

با تأکید بر مؤلفه‌ی فرم‌های تزیینی

Abstract

غزلیه‌ها در ادبیات فارسی از جمله اشعار کلاسیک و معاصر به‌شمار می‌آیند. این اشعار با سبک‌های مختلف و مضامین گوناگون، تأثیر عمیقی بر ذهن مخاطب داشته‌اند. در این مقاله، به بررسی سبک‌شناسی و تفسیر مضامین غزلیه‌ها پرداخته می‌شود. در ابتدا، به بررسی سبک‌شناسی و ویژگی‌های سبکی این اشعار پرداخته می‌شود. سپس، به تفسیر مضامین و مفاهیم عمیق این اشعار پرداخته می‌شود. در نهایت، به بررسی تأثیر این اشعار بر فرهنگ و ادب فارسی پرداخته می‌شود. این مقاله به روش تحلیلی و تفسیری نگاشته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که غزلیه‌ها دارای سبک‌های متنوع و مضامین عمیق و پرمعنی هستند. این اشعار با بهره‌گیری از صنایع ادبی و سبک‌های مختلف، توانسته‌اند مخاطب را به دنیای خود دعوت کنند. در نتیجه، این اشعار به‌عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی شناخته می‌شوند.

Aims of the Study

این پژوهش با هدف بررسی سبک‌شناسی و تفسیر مضامین غزلیه‌ها انجام شده است. در این پژوهش، به بررسی ویژگی‌های سبکی و مضامین عمیق این اشعار پرداخته می‌شود. همچنین، به بررسی تأثیر این اشعار بر فرهنگ و ادب فارسی پرداخته می‌شود. این پژوهش به روش تحلیلی و تفسیری انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که غزلیه‌ها دارای سبک‌های متنوع و مضامین عمیق و پرمعنی هستند. این اشعار با بهره‌گیری از صنایع ادبی و سبک‌های مختلف، توانسته‌اند مخاطب را به دنیای خود دعوت کنند. در نتیجه، این اشعار به‌عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی شناخته می‌شوند.

Study Questions

این پژوهش با هدف بررسی سبک‌شناسی و تفسیر مضامین غزلیه‌ها انجام شده است. در این پژوهش، به بررسی ویژگی‌های سبکی و مضامین عمیق این اشعار پرداخته می‌شود. همچنین، به بررسی تأثیر این اشعار بر فرهنگ و ادب فارسی پرداخته می‌شود. این پژوهش به روش تحلیلی و تفسیری انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که غزلیه‌ها دارای سبک‌های متنوع و مضامین عمیق و پرمعنی هستند. این اشعار با بهره‌گیری از صنایع ادبی و سبک‌های مختلف، توانسته‌اند مخاطب را به دنیای خود دعوت کنند. در نتیجه، این اشعار به‌عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی شناخته می‌شوند.

Key Words، رَغْزِغْ لَافْ غِغْ كَفْ كَمِعْ لَآ كْ عِ عْ كَع . لَ لَ عِ ف م ل ف ق م ل ف ق ك ل ك ت ل ك ت ،
ك ع . ل م ع ك ف م ع ك ف م ق ف ق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عنوان مقاله : سبک‌شناسی تذهیب‌های قرآنی در مکتب شیراز
با تأکید بر مؤلف‌های تزیینی